

الزامات مدیریت اقتصادی خانواده بر پایه اخلاق اسلامی

کافیه خجسته ماه سایه^۱، محسن ذوالفقاری^۲

^۱ عضو هیات علمی گروه معارف، دانشگاه آزاد اسلامی واحد زابل، زابل، ایران

^۲ کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه سیستان و بلوچستان، سیستان و بلوچستان، ایران

چکیده

این مقاله تحقیق کامل و جامع ای از الزامات مدیریت اقتصادی خانواده بر پایه اخلاق اسلامی میباشد هدف از این تحقیق این است که ابتدا باید به تعریف فضایل و صفات پسندیده در ارتباط با مدیریت اقتصادی خانواده پرداخت بعد انگیزه های صحیح اخلاقی را برای مردم روشن ساخت تا بدانند به چه منظوری باید رفتار و اخلاق پسندیده داشته باشند. شیوه پژوهش تحلیلی توصیفی بوده و شیوه گردآوری مطالب به روش کتابخانه‌ای هست. بنابراین در مورد مدیریت اقتصادی خانواده می توان به فضایل اخلاقی زیر اشاره کرد همچون: عدم اسراف - گذشت - انفاق - اعتدال و میانه روی - احسان و نیکوکاری - قناعت - دادن زکات - ساده زیستی - بخشش - شکرگذاری و و همچنین می توان به ردایل اخلاقی همچون اسراف، تبذیر و مصرف گرایی افراطی و چشم هم چشمی اشاره کرد که مصرف به این صورت خسارت جبران ناپذیری به فرد و جامعه خواهد زد همچنین از سخنان بزرگان و سبک زندگی حضرت امام خمینی(ره) و مقام معظم رهبری و استاد مطهری که به عنوان الگوی ما در جامعه هستند استفاده کردیم با توجه به اینکه اکثریت افراد ردایل اخلاقی مثلا اسراف را میدانند اما راه درمان را نمی دانند بر خود لازم دیدم راه درمان اسراف کاری راهم بیان کنم.

واژه‌های کلیدی: اخلاق، اقتصاد خانواده، ساده زیستی، اعتدال، اسراف

۱- مقدمه

شناسایی نیازهای واقعی و رعایت و صرفه جویی در بهره برداری از امکانات را نشانه مصرف صحیح است. مصرف در یک جامعه، نقشی مهم در تعیین نوع، میزان و شکل تولید و توزیع دارد و از سوی دیگر، خود تحت تاثیر نوع و میزان تولید است.

استفاده از نعمت های الهی در حدی که انسان بتواند حیات و سلامتی خود را حفظ کند و با نشاط کامل به انجام وظایف فردی و اجتماعی اش بپردازد نه تنها امری مطلوب بلکه از نظر اسلام واجب و لازم است خداوند بزرگ از روی لطف و مهربانی آنچه را انسان به آن نیازمند است از انواع غذاها و میوه جات، نوشیدنی ها، پوشاک مناسب، هوای سالم، وسایل حمل و نقل و مانند آن ها را در اختیارش قرار داده است. آیاتی از قرآن کریم با برشمردن نعمت های گوناگون که هر کدام تامین کننده یکی از نیازهای انسان است این نکته را یادآور می شوند که نوعی هماهنگی و تناسب بین احتیاجات انسان و امکانات مادی در اختیار او برقرار است و از انسان می خواهند در آن ها تفکر کند زیرا با تفکر در این امور، معرفت و بصیرت فرد نسبت به خالق و مدبر این جهان بیشتر گشته و با کسب چنین معرفتی زمینه اطاعت و بندگی و سپاس گذاری در مقابل حق تعالی و احسان بیکران او پدیدار می گردد و روحیه شکر و سپاس در او تقویت می گردد.

۲- ادبیات تحقیق

در بحث پیشنهاد: به عنوان نمونه در اقتصاد خانواده وقتی مغازه ای اجناسش را حراج گذاشته افراد زیادی به امید اینکه قیمت مناسب است خرید می کنند اما چه مقدار از آن لوازم برایشان ضروری و مورد نیاز است صرف اینکه قیمت مناسب است تهیه می کنند و اصلا توجه ای به نیازمند بودن آن یا ضروری بودن آن ندارند و این از مصادیق اسراف و تبذیر است.

۳- روش تحقیق

باتوجه به روند رو به شتاب جامعه به سوی مصرف گرایی و تجمل گرایی و از طرفی بیان این نکته که آموزه های دینی و اخلاقی به شدت این چنین سبک زندگی را مضموم دانسته ضرورت دارد تا فرهنگ خرید و مصرف در جامعه بر پایه مضامین اخلاقی استوار گردد تا از این دو علاوه بر دوری جامعه از تجمل گرایی، مقدمه رشد اقتصادی پویا و پایدار نیز در خانواده و جامعه قرار گیرد. شیوه پژوهش تحلیلی توصیفی بوده و شیوه گردآوری مطالب به روش کتابخانه ای هست. هدف از این تحقیق این است که ابتدا باید به تعریف فضایل و صفات پسندیده در ارتباط با مدیریت اقتصادی خانواده پرداخت بعد انگیزه های صحیح اخلاقی را برای مردم روشن ساخت تا بدانند به چه منظوری باید رفتار و اخلاق پسندیده داشته باشند.

۵- یافته های تحقیق

فضایل اخلاقی در اقتصاد خانواده:

۵-۱- احسان و نیکوکاری (انفاق):

« وانفقوا فی سبیل الله ولا تلقوا بایدیکم الی التهلکه واحسنوا ان الله یحب المحسنین. » (سوره بقره - آیه ۱۹۵) از مال خود در راه خدا انفاق کنید لیکن نه به حد اسراف و خود را به مهلکه نیفتانید و نیکویی کنید زیرا خدا نیکوکاران را دوست دارد.

احسان به معنای انعام و نیکی کردن به دیگران است و به قول راغب احسان به معنای این است که خیری را با خیری بیشتر از آن تلاقی کنی و شری را به شری کمتر از آن جواب گویی (راغب اصفهانی - ۱۳۹۲ ق)

احسان امری مافوق عدالت است زیرا در عدالت باید هرآنچه انسان به دیگران می دهد در مقابل چیزهایی باشد که قبلا از آنها گرفته یا بعدا می گیرد اما در احسان انعام و نیکی ابتدایی است و در آن استحقاق به معنی عدالت شرط نیست بلکه بالاتر از عدل است از اینرو احسان و نیکی واجب نیست درحالی که اجرای عدالت واجب و لازم است.

۵-۲- دادن زکات:

(إِذَا أَتَمَّرَ وَأَتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَارِهِ وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ) (سوره مبارکه انعام ، آیه ۱۴۱).

حق زکات فقیران را به روز درو کردن بدهید و اسراف مکنید که خدا مسرفان را دوست نمی دارد .

در جامعه ای که تقوا و عدالت از آن رخت بر بندد، و اسراف و حق کشی در آن رایج شود، طبیعت نیز از دادن امکانات کامل خویش به فرمان الهی دریغ خواهد کرد. بر طبق روایات رسیده از حضرات معصومین (ع) یکی از مهمترین عوامل کمبود برکات زمین، نپرداختن حق زکات یعنی در واقع همان روزی فقرا و تهیدستان است که خداوند آن را در اموال صاحبان ثروت قرار داده است. در حدیث معتبری حضرت امام باقر (ع) فرمودند: در کتاب حضرت علی (ع) یافتیم که رسول اکرم(ص) فرموده است: هرگاه از دادن زکات خودداری شود، زمین نیز برکات خویش را دریغ می نماید.. (شیخ حر عاملی - ۱۴۰۳ ق)

البته جریان این قانون در صورتی است که احکام شرعی ابلاغ شده باشد و مانعی هم برای انجام دادن آن، بر سر راه نباشد و جهاتی نیز از قبیل استدراج و تنعم تدریجی سبب هلاکت ناگهانی و دادن مهلت برای امتحان بیشتر در میان نباشد. از سوی دیگر، در جامعه ای که در آن عدالت و تقوا و نظامی مبتنی بر رعایت حقوق ضعفا حاکم باشد، طبیعت نیز به فرمان خدا سفره نعمتش را می گسترد و با آن جامعه، همسویی خواهد کرد در این باره قرآن مجید می فرماید :

وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ؛ (سوره فرقان - آیه ۶۷) اگر مردم آن قریه ها - که به هلاکت ابدی دچار گردیدند - اهل ایمان و تقوا بودند، برکات آسمان و زمین را بر آنان می گشودیم؛ ولی آنها پیام رسولان را تکذیب نمودند و ما نیز آنها را به دلیل کردار زشتشان، گرفتار عذاب خویش ساختیم.

۵-۳- اعتدال و میانه روی (قناعت):

« وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا » (سوره مبارکه انعام آیه ۱۴۱).

آنان هستند که هنگام انفاق به مسکینان اسراف نکرده و بخل هم نوزند بلکه در احسان میانه رو و معتدل باشند.

« وَاقْصِدْ فِي مَشْيِكَ وَاغْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ » (سوره لقمان - آیه ۱۹)

در رفتار میانه روی اختیار کن و سخن آرام گونه با فریاد بلند که منکر وزشت ترین صداها صوت الاغ است.

حد مطلوب بهره مندی و استفاده از نعمتهای الهی آن است که همراه با رعایت اعتدال و به قدر کفاف باشد.

قال امیرالمومنین (ع): عَزَّ مَنْ قَنَعَ ، ذَلَّ مَنْ طَمَعَ . (غرر و درر آمدی ، بی تا) (احمد صادقی اردستانی)

عزت در قناعت است و خواری در طمع است.

امیرالمومنین (ع) : لَمْ يَنْحَلْ بِالْقَنَاعَةِ مَنْ لَمْ يَكْتَفِ بِبَسِيرٍ مَا وَجَدَ . (غررالحکم ج ۲ ، ص ۶۰۰)

حله قناعت را نپوشیده کسی که به کمی که میابد اکتفا نمی کند.

و قد رُوِيَ هَذَا الْكَلَامُ عَنْ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الْقَنَاعَةُ مَالٌ لَا يَنْفَدُ. (نهج البلاغه ، مترجم مهدی علیزاده،

پیامبر صلی الله علیه و آله میفرماید: قناعت ، مالی است که فنا نمی پذیرد.

خصلت « کفاف » نیز که به معنای قانع شدن به زندگی وامکانات متوسط است ، از خصایل شایسته و پسندیده ای است که می تواند در راه درمان بیماری اسراف کاری موثر باشد رسول خدا (ص) که سرور و فخر کائنات است علاوه براین که خود دارای خصلت کفاف در زندگی است برای دوستان خود نیز از خداوند می خواهد که روزیشان را به اندازه کفاف عنایت فرماید (- اصول کافی - ۱۰۴/۳) انسانی که دارای روحیه قناعت و کفاف باشد از تشریفات زاید تجملات زندگی و به طور کلی هر امری که به اسراف و اسراف کاری منتهی شود می پرهیزد و در نتیجه عزت نفس می یابد و با این ویژگی می تواند بر رذیله اسراف در زندگی خود راه بر بندد..

چو حافظ در قناعت کوش وازدنیای دون بگذر که یک جو منت دونان به صد من زر نمی آرزد

۵-۴- ایثار و گذشت:

یکی دیگر از ویژگی های ا لگوی مطلوب برای بهره برداری از نعمات الهی در جوامع اسلامی، این است که مصرف کننده مسلمان تنها به فکر تامین نیازهای خود و خانواده اش نباشد، بلکه همراه با تعقیب هدف مذکور، تا حد توان در فکر محرومان و افراد بی بضاعت جامعه نیز باشد؛ زیرا در غیر اینصورت، فرد مذکور روحیه خودخواهی و کبر و غرور پیدا می کند و از سوی دیگر ، حرص و بخل به او اجازه نمی دهند مازاد نیاز خود را در راه رفع احتیاجات ضروری و حیاتی دیگر افراد جامعه به کار گیرد و با این کار ، روحیه ایثار و فداکاری و دیگر کمالات انسانی را در خود پرورش دهد و خود را از دایره تنگ مادیات برهاند و به سوی عالم معنا و قرب و نزدیکی به حق تعالی حرکت کند.

پیشوایان معصوم نه تنها مازاد بر نیاز خود را همواره در راه خدا به فقرا و نیازمندان می دادند ، بلکه آن ها به عنوان برترین انسان ها و الگوهای برتر برای همه افراد بشر در طول تاریخ، حتی در زمان نیاز خود و خانواده شان نیز فضل و بخشش و کمک به فقرا، محرومان و مستمندان را در عمل به همگان نشان دادند و آیاتی از قرآن کریم، که شأن نزول آن ها درباره امیرالمومنین و همسرگرمی اش و امام حسن و امام حسین (ع) می باشد، (سوره مبارکه انسان - آیات ۸و۹) به همه پیروانشان و افرادی که خواهان گام نهادن در طریق خودسازی و رسیدن به کمالات والای انسانی اند درس ایثار و گذشت در راه خدای متعال می دهد.

حاصل آن که یک مسلمان با ایمان، ضمن بهره برداری و استفاده شخصی از نعمت ها و امکانات ، نه تنها با در نظر گرفتن تکالیف دینی ، با انگیزه الهی، حقوق واجب مالی از قبیل «خمس» و «زکات» را ادا می کند ، بلکه همواره در صدد است در حد توان ، با انفاق ها و کمک های خود به فقرا و محرومان جامعه فقر و محرومیت را در سطح جامعه کاهش دهد و تلاش می کند خود را به مرتبه ای از کمالات انسانی برساند که گذشت و ایثار نسبت به فقرا و نیازمندان جامعه نیز برای او آسان و لذت بخش گردد و با اتخاذ ویژگی مذکور در بهره برداری از نعمات الهی خود دستیابی به رضایت و خشنودی خداوند متعال و رسیدن به مقام قرب الهی برای او از هر چیز ارزشمندتر و لذت بخش تر باشد.

۵-۵- سپاس گزاری

از ویژگی های انسان، سپاس گزاری در مقابل احسان به نیکی و محبت دیگران است ، به گونه ای که فطرت سالم یک انسان عاقل اقتضا دارد که حتی در مقابل لطف و محبت زبانی دیگران نیز خاضع گشته و در مقابل ، سپاس گزاری کند و اگر در توان داشته باشد ، بهتر و برتر از طرف مقابل آن را جبران کند. با این مقدمه ، اگر انسان توجه کند که هر چه را از انواع نعمت های مادی و معنوی بهره مند است ، خداوند قادر و حکیم و توانا به او عنایت کرده و لطف و رأفت او بر همه انسان ها، حتی افراد بی ایمان و پست و شرور در این جهان، نیز جاری است، در مقابل او تا چه حد باید شاکر و سپاسگزار باشد. روشن است که شکر و سپاس به درگاه الهی، که بی نیاز از همه مخلوقات بوده و سرچشمه همه کمالات و فیوضات است. با تشکر از دیگران تفاوت دارد ؛ زیرا ما نمی توانیم الطاف الهی را با جبران محبت - همانند تشکر زبانی و عملی که در مقابل اشخاص داریم - جبران کنیم ، بلکه بهترین راه آن است که طریق شکرگزاری را از وحی و سخنان اولیای الهی و امامان معصوم (ع) بیاموزیم .

امام صادق (ع) در روایتی می فرماید: « شکر نعمت، خودداری از گناهان و معاصی است و شکر کامل (یا تکمیل شکر) به این است که فرد الحمدالله رب العالمین بگوید « (محمدبن یعقوب کلینی- ۱۴۱۳ ق) پس لازمه شکر الهی استفاده نکردن از نعمت ها در راه نافرمانی حق تعالی است. در نتیجه از مصرف بی مورد (اسراف و تبذیر) می توان به عنوان کفران ناسپاسی نعمت یادکرد. روشن است که قسمت اول روایت بیانگر مرتبه شکر عملی (استفاده صحیح از نعمت های الهی) است و ما با انجام عباداتی که در اسلام به عنوان تکالیف واجب بر هر مسلمانی فرض گردیده، موظف به انجام مرتبه ای دیگر از شکر (شکرزبانی) نیز هستیم که در ذیل روایت مزبور این مرتبه از شکر نیز بیان گردید.

برخی از آیات قرآن کریم مقتضای ایمان به خدا و بندگی او را شکر به درگاه الهی می دانند. (مانند آیات ۱۷۲ بقره- ۱۱۴) نحل برخی دیگر با بیان های گوناگون به شکر و سپاس گزاری در مقابل آفریننده نعمت ها توصیه تشویق می نمایند. (نحل ۱۴- فاطر ۱۲ - حج ۳۶)

مرحوم علامه طباطبایی درباره حقیقت شکر و انواع آن می نویسد: حقیقت شکر اظهار نعمت است، و اظهار نعمت به این است که انسان نعمت را در جایی که آفریننده و عطا کننده نعمت اراده فرموده (رضایت دارد) به کار گیرد و مرتبه دیگری از شکر این است که به زبان از دهنده نعمت یاد کند که در اصطلاح ، آن را «ثنا» می نامند و به این است که آن سان همواره در دل به یاددهنده نعمت باشد و به هنگام استفاده از نعمت، با یاد او از مواضعی که منعم تعیین کرده است، تجاوز نکند (محمد حسین طباطبایی - المیزان - ج ۴ - ص ۳۸). بنابراین، می توان گفت: استفاده معقول و بهینه از نعمت های الهی و مصرف آن ها با رعایت اعتدال و دوری از اسراف و تبذیر و رعایت حدودی که خداوند متعال تعیین نموده، همه از لوازم شکر به درگاه خداوند

متعال هستند. از این رو برخی از آیات پس از برشمردن برخی نعمت‌ها می‌فرمایند: «افلايشكرون» و یا انسان را به دلیل ناسپاسی کردن و کفران نعمت‌های الهی و تجاوز از حدود و مقررات، مورد سرزنش قرار داده، عواقب آن را متذکر می‌گردند.

از مجموع آیاتی که انسان را به شکر و سپاس‌گزاری به درگاه الهی تشویق و توصیه می‌نمایند، می‌توان استفاده کرد که مصرف کل جامعه اسلامی باید جهت خاص خود را پیدا کند؛ به این معنا که هدف صرفاً رفع نیازهای مادی نباشد، بلکه در جهت رسیدن به این هدف، حدود الهی نیز رعایت گردند، به گونه‌ای که افراد جامعه با استفاده بجا و صحیح از نعمت‌های الهی، در عمل، به درگاه خداوند متعال شاکر بوده و بر شکر و سپاس‌زبانی، که خود بخشی از عبادت و بندگی حق تعالی است، قدرت و توفیق یابند. البته این که انسان توجه به منعم حقیقی (خداوند متعال) داشته باشد و بداند نعمت از اوست مرتبه‌ای از شکر می‌باشد که در برخی از روایات معصومان (ع) نیز بیان گردیده، ولی بحث حاضر ناظر به مرتبه شکر عملی است.

رذایل اخلاقی در اقتصاد خانواده:

۵-۶- اسراف

اسراف عبارت از خارج شدن و تجاوز نمودن از حد اعتدال در هر کاری که از انسان سرزند (لغت نامه فرهنگ فارسی - دکتر معین)

اسراف از ریشه «سرف» و در لغت به معنی تجاوز کردن و از حد گذشتن در هر کاری است که انسان انجام می‌دهد. (راغب اصفهانی - ۱۳۹۲).

و در اصطلاح نیز به همین معنای عام استعمال می‌شود هر چند که به گفته راغب غالباً در مورد پول خرج کردن استعمال می‌شود. (محمد حسین طباطبایی - ۱۳۹۴ ق.)

کلمه اسراف کلمه بسیار جامعی است که هرگونه زیاده‌روی در کمیت و کیفیت و بیهوده‌گرایی و اتلاف و مانند آن را شامل می‌شود. (ناصر مکارم شیرازی - ۱۳۶۲)

معانی اسراف در قرآن

(۱) از حد گذشتن در گناه و نافرمانی :

این معنا در آیات ذیل به کار رفته است : طه ۱۲۷ - مائده ۳۲ - اعراف ۸۱ - یونس ۱۲ و ۸۳ - انبیاء ۹ - یس ۱۹ - زمر ۵۳ - غافر ۲۸ و ۳۸ .

(۲) از حد گذشتن در انفاق : چنانچه در آیه ۶۷ سوره فرقان به این معنا اشاره شده است.

(۳) زیاده‌روی در خوردن یا مصرف آنچه حلال است : اعراف ۳۱ - نساء ۶ - انعام ۱۴۱ . علاوه بر این موارد استعمال، اسراف به همراه فی نیز استعمال می‌گردد که در این صورت به دو معنا می‌تواند باشد.

الف) افراط و زیاده روی در کاری: مانند آیه ۳۳ سوره اسراء

ب) تفریط، تقصیر در عمل صالح و حق خداوند مانند آیه ۱۴۷ سوره آل عمران. (بهاءالدین خرمشاهی - دانشنامه قرآن و دانش پژوهی - ج ۱ - ص ۲۱۳)

تفاوت اسراف، تبذیر، تقتیر و قوام

با در نظر گرفتن ریشه لغوی اسراف و تبذیر وقتی این رو در مقابل یکدیگر قرار می گیرند اسراف به معنی خارج شدن از حد اعتدال است بدون آنکه چیزی را ظاهراً ضایع کنند: مثلاً کسی غذایی چنان گران قیمت تهیه کند که با قیمت آن بتوان عده زیادی را آبرومندانه تغذیه کرد در این جا از حد اعتدال تجاوز شده ولی ظاهراً چیزی نابود و ضایع نشده است.

اما تبذیر آن است که آن چنان مصرف کنیم که به اتلاف و تضییع منجر شود مثل این که برای دو نفر میهمان غذایی ده نفر را تهیه کنیم، آن گونه که بعضی به نادانی انجام می دهند و به آن افتخار می کنند و باقی غذا را در زباله دان بریزیم و اتلاف کنیم، نا گفته نماند که در بسیاری از موارد این دو کلمه درست در یک معنی به کار می رود و حتی به عنوان تأکید پشت سر یکدیگر قرار می گیرند مثلاً بنابر آنچه در نهج البلاغه از علی (ع) نقل شده است می فرماید:

«الْإِنِّ اعْطَاءَ الْمَالِ فِي غَيْرِ حَقِّهِ تَبْذِيرٌ وَ اسْرَافٌ وَ هُوَ يَرْفَعُ صَاحِبَهُ فِي الدُّنْيَا وَ يَضَعُهُ فِي الْآخِرَةِ وَ يُكْرِمُهُ فِي النَّاسِ وَ يَهِينُهُ عِنْدَ اللَّهِ» (نهج البلاغه - بی تا)

یعنی « آگاه باشید مال را در غیر مورد استحقاق صرف کردن، تبذیر و اسراف است. ممکن است این عمل انسان را در دنیا بلند مرتبه کند، اما مسلماً در آخرت او را پست و حقیر خواهد کرد .

بنابراین بر طبق این حدیث شریف، اگر چه تبذیر ممکن است که انسان را در نظر مردم بزرگ کند اما موجب سقوط مقام انسان در پیشگاه خدا خواهد شد. (مکارم شیرازی- ۱۳۶۲).

تقتیر، در مقابل اسراف به معنی کوتاهی کردن در انفاق است و قوام به معنی حد وسط میان اسراف و اقتار است. (محمد حسین طباطبایی - ۱۳۹۴ ق ۰)

طبق آیات قرآن و روایات، اسراف و تبذیر و تقتیر، مذموم و ناپسند هستند و فقط قوام، ممدوح و پسندیده است.

«وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَ لَمْ يَقْتُرُوا وَ كَانُوا بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا» (سوره فرقان - آیه ۶۷)

آنان هستند که هنگام انفاق به مسکینان اسراف نکرده و بخل هم نوزند بلکه در احسان میانه رو و معتدل باشند.

آثار اسراف

(كلوا واشربوا و لا تسرفوا انه لا يحب المسرفين) (سوره اعراف، آیه ۳۱)

بخورید و بیاشامید و اسراف مکنید که خدا مسرفان را دوست نمی دارد.

۵-۷- مصرف گرایی افراطی: یکی دیگر از انگیزه های منفی مصرف، مصرف گرایی افراطی می باشد که از آن در متون اسلامی به بطر یاد شده است. بطر، حالت هیجان روانی و سبکسری است که به انسان در اثر بدرفتاری با نعمتها و بی توجهی در ادای حق نعمت و بکارگیری آن در غیر جهت مصرفش عارض می شود. راغب می گوید: و البطر دهش یعتری الانسان من سوء احتمال النعمه و قله القيام بحقها و صرفها الی غیر وجهها. یعنی: بطر عارضه ای است روانی که ناشی از بی ظرفیتی انسان در مقابل نعمت و کوتاهی در انجام وظیفه در قبال آن و بکارگیری نعمت در غیر محل آن است، بطر در قرآن کریم در دو آیه استعمال شده است: نخست در آیه ۵۸ از سوره قصص که خداوند سرگذشت قومی را نقل می کند که در استفاده از نعمتها دچار طغیان و کفران شدند پس خداوند آنها را به سبب اعمالشان هلاک گرانید. و کم اهلکنا من قریه بطرت معیشتها فتلک مسکنهم لم نسکن من بعدهم الا قلیلاً و کنا نحن الوارثین. «و چه بسیار از شهرها و آبادیهایی را که بر اثر فراوانی نعمت، مست و مغرور شده بودند هلاک کردیم، این خانه های ویران آنهاست و بعد از آنان جز اندکی سکونت نکرده و تنها ما وارث و یار آنها بودیم.»

همچنین در آیه ۴۷ از سوره انفال خداوند، مسلمانان را نهی می کند که در هنگام قتال با دشمنان دین، با خود نمایی و خودآرایی به تجملات دنیوی بیرون شوند و مردم را با گفتار و کردار ناپسند خود به ترک تقوا و فرورفتن در گناهان و خروج از اطاعت اوامر و دستورات او دعوت کنند و بدین وسیله مانع راه خدا شوند که اگر چنین کنند زحمتشان بی اثر گشته و نور ایمان در دلهایشان خاموش می شود و آثار ایمان از اجتماع مسلمین رخت بر می بندد.

شیطان این گونه اعمال زشت را نزد انسانها زینت می بخشد، نعمتهای الهی، را آن گونه که شایسته و سزاوار است به کار نگیرند و بیش از آنچه که مورد نیاز است مصرف کنند. شیطان عمل زشت آدمی را زینت می دهد که به وسیله تهییج عواطف درونی مربوط به آن عمل در دل آدمی القا می کند که عمل بسیار خوبی است و در نتیجه انسان از عمل خود لذت می برد و قلباً آن را دوست دارد و آن قدر قلب متوجه آن می شود که دیگر فرصتی برایش نمی ماند تا در عواقب وخیم وسوء و شوم آن بیندیشد. (محمد حسین طباطبایی - ۱۳۹۴ ق)

انسانهایی که دچار یک چنین عارضه روانی هستند برای سعادت معنایی جز سعادت دنیا قائل نیستند و برای سعادت دنیا هم معنایی جز، خوردن و سرگرم بودن به لذات مادی و دلخوش داشتن به صرف آرزوها و خیالت واهی، نمی فهمند. این سنت خدای تعالی در خلقت بشر و سکانش در زمین و زینت دادن زمین و لذاپذ مادی آن است که بدین وسیله فرد فرد بشر را امتحان کند. سعادت‌مندان از دیگران متمایز شوند و به همین منظور نسلها را یکی پس از دیگری به وجود می آورد وزندگی که در زمین است در نظرشان جلوه می دهد؛ آن گاه آنان را به اختیار خود وا می گذارد تا آزمایش شوند. آیه ۷ از سوره کهف بیانگر این واقعیت است.

انا جعلنا ما الارض زینته لها لنبلوهم ایهم احسن عملاً. «آنچه را که بر روی زمین قرار دادیم زینتی برای آن است تا اینکه آزمایش کنیم آنها را که کدامشان نیکوتر عمل می کنند.»

شهید بزرگوار آیت الله صدر درباره کالاهای تجملی و به کار گرفتن آنها می گوید: «اقتصاد اسلامی با تولید وسایل تجملی با موادی که موجب اسراف کاری در جامعه شود، شدیداً مبارزه می کند و هر گونه حرکت اقتصادی را در این جهت محکوم می کند. بدین معنی که اولاً باید لوازم و وسایلی که برای یک زندگی سالم به دور از اسراف و بیهوده کاری لازم است تامین کند.

ثانیاً از تولید وسایلی که موجب انحراف اخلاقی و اسرافکاری در جامعه می شود جلوگیری شود.» (شاخصهای اساسی اقتصادی اسلامی - ترجمه فخرالدین شوشتری) اسلام نگرش افراد را در شیوه مصرف اموال دگرگون کرده و رقابتهای تب آلود شهوی که جز ارضاء نیازهای جنسی و تن دادن به خواهشهای شیطانی نفس در سایه اسراف کاری و زیاده روی است را بکلی واژگون می سازد.

۵-۸- رقابت و هم چشمی: یکی دیگر از انگیزه های منفی مصرف ، رقابت و هم چشمی است. حال آنکه هر قدر ارزشهای اسلامی در جامعه ای بیشتر حاکم شود ، این انگیزه تاثیر خود را بیشتر از دست می دهد ؛ زیرا ارزش انسانها در جامعه اسلامی براساس مقدار مصرف ارزیابی نمی شوند و این گونه نیست که کسی که بیشتر مصرف می کند ، ارزش اجتماعی او نیز فزون می شود.

درمان اسراف کاری:

۱- تفکر و تعقل : نیروی فکر و اندیشه بهترین موهبتی است که خداوند متعال برای شناخت خوبی ها از بدی ها به انسان داده است. چرا که امام علی (ع) می فرماید : اندیشیدن آینه ای است که زیبایی و یا زشتی کار انسان را به او نشان می دهد، بنابراین با بهره جستن از این قدرت خداداد می توان به راحتی دریافت که اسراف علاوه بر تضييع اموال شخصی و زیان رسانی به بدن ، سبب هدر رفتن نعمت های خداوندی و آسیب رساندن به اقتصاد جامعه ی اسلامی نیز می شود. لذا انسان عاقلی که از قوه ی عاقله اش بهره می گیرد، هیچ گاه مرتکب اسراف نمی شود ، چرا که بنا بر فرمایش امام علی (ع) ، انسان جاهل همیشه یا افراط گر است و یا تفریط کننده»

۲- راضی بودن به رضا و تقدیر الهی : رضایت داشتن به آن چه از رزق و روزی که خداوند برای انسان مقدر فرموده ، مانع از ورود حرص و طمع به زندگی انسان و بالاخره باعث قناعت پیشگی و گوارایی زندگی خواهد شد. امام علی (ع) در این رابطه فرموده اند : «ارض تسترح» به خشنودی خدا راضی باش تا با نشاط و راحتی زندگی کنی. و نیز فرموده اند : همانا گواراترین زندگی را کسی دارد که به آن چه خداوند برای او تقدیر کرده ، راضی و خشنود باشد.

سبک زندگی امام خمینی (ره)

امام خمینی «ره» می فرماید: «اسراف و تبذیر از گناهان کبیره می باشد» (امام خمینی)

امام عظیم الشان که الگوی زیبایی امت است معتقد بود : اتاق و محل زندگی باید پر نور باشد ولی مقید بودند هرگاه اتاق را ترک می کنند و کسی نیست که از آن نور استفاده کند، حتماً چراغ ها را خاموش کنند (زهرامصطفوی ، دختر امام)

در اتاقی که محل اصلی زندگی ایشان بود ، سه نوع لامپ وجود داشت ، لامپ مهتابی و یک لامپ رشته ای ۱۰۰ وات و لامپ خواب ، که همه این ها هم در حد امکان از نوع کم مصرف انتخاب می شدند هرگاه مطالعه می کردند و یا مشغول تلاوت قرآن و قرائت دعا بودند ، بر حسب توصیه چشم پزشک لامپ مهتابی و لامپ ۱۰۰ وات را با هم روشن می کردند و به محض پایان مطالعه لامپ ۱۰۰ وات را خاموش و فقط از مهتابی استفاده می کردند و هنگامی که نماز می خواندند ، یا مشغول تعقیبات بودند، فقط از لامپ خواب بهره می بردند.

در هنگام روز هرگاه متوجه می شدند که بی جهت لامپی روشن است اگر در دسترس خودشان بود، بی آن که به کسی بگویند، خودشان به طرف کلید رفته و لامپ را خاموش می کردند و اگر در دسترس شان نبود، به دیگران تذکر می دادند، که لامپ خاموش شود. (احمد خمینی) البته این مراقبتها همه در مواردی است که پای استفاده از احوال شخصی در میان بود و صرفاً برای آن که اسراف نشود این دقت ها را مبذول می داشتند ولی اگر مورد، مربوط به بیت المال و اموال عمومی بود، مراقبت و سخت گیری ایشان به مراتب زیادتر بود.

مقام معظم رهبری و اسراف

ما در زمینه مصرف، در زمینه هزینه کردن منابع مالی کشور که به وسیله خود ما و به وسیله همه برادران هم میهن ما و به وسیله مسئولین کشور با زحمت زیاد به وجود می آید، دچار نوعی بی توجهی هستیم، که بایستی این را تبدیل کنیم به یک توجه و اهتمام خاص، ما دچار اسراف هستیم ما دچار ولخرجی و ولنگاری در مصرف هستیم. بسیاری از منابع کشور، شاید بشود گفت بخش مهمی از منابع کشور در همه زمینه ها چه در زمینه مسائل شخصی، و چه تا حدودی در زمینه های عمومی، صرف اسراف ها و زیاده روی های ما در مصرف می شود ما بایستی مصرف کردن را مدبرانه و عاقلانه مدیریت کنیم مصرف نه تنها از نظر اسلام، بلکه از نظر همه عقلای عالم، چیزی است که باید تحت کنترل عقل قرار بگیرد. با هوس و هوس، با خواهش دل و آنچه که نفس انسان از انسان مطالبه می کند، نمی شود مصرف را مدیریت کرد کار به جایی می رسد که منابع کشور به هدر می رود شکاف بین فقرا و اغنیاء زیاد می شود عده ای در حسرت اولویتهای زندگی می مانند و عده ای با ولخرجی و ولنگاری در مصرف منابع را هرز و به هدر می دهند. مردم عزیزمان توجه داشته باشند که صرفه جویی به معنایی مصرف نکردن نیست صرفه جویی به معنای درست مصرف کردن، به جا مصرف کردن، ضایع نکردن مال، مصرف را کارآمد و ثمر بخش کردن است. اسراف در اموال و در اقتصاد این است که انسان مال را مصرف کند بدون این که این مصرف اثر و کارایی داشته باشد. مصرف بیهوده و مصرف هرز در حقیقت هدر دادن مال است جامعه ما باید این مطلب را به عنوان یک شعار همیشگی داشته باشد.

استاد مطهری و اسراف

« انسان این ویژگی را دارد که برداشت و برخورداری زیاد از ماده و طبیعت و تنعم و اسراف در لذت، او را در آنچه هنر و کمال انسانی است ضعیف تر و زبون تر و بی بارتر می سازد و بر عکس پرهیز از برداشت و برخورداری - البته در حدود معین - گوهر او را صفا و جلا می بخشد، فکر و اراده نیروی عالی انسانی را نیرومندتر می کند. (مرتضی مطهری - ۱۳۵۴)

اما واقعیت دیگری که باید مورد توجه قرار گیرد این است که نیازهای مادی انسان به حکم غرائز مادی خود به خود بروز می یابد در حالی که نیازهای معنوی نیازمند بروز در شرایط مناسب است و به طور معمول موانع مختلف جلو رشد و نمو آن را می گیرد. اینجاست که سبک زندگی ممکن است به بروز و ظهور استعدادها و نیازهای معنوی کمک کند و ممکن است جلو بروز و ظهور آن را بگیرد امروز سبک زندگی عرضه شده در برخی رسانه ها هیچ جاذبه ای برای امور معنوی ایجاد نمی کند و در برخی از آنها رفتارهایی تبلیغ می شود که زیر بنای گرایش به کمالات انسانی و اخلاقی را از بین می برد.

استاد مطهری با استفاده از آیات قرآن در این باره چنین نتیجه گیری کرده است: پس در حقیقت تعلیمات دینی برای بیدار کردن شعورهای عالی تر در انسان است و آن شعورها در غریزه و فطرت بشر هستند، اما چون عالی ترند و از مقام عالی انسان سرچشمه می گیرند، دیر تر بیدار می شوند و احتیاج به تحریک و احیاء و بیدار کردن دارند، آن شعورها مربوط به معنویات است. هر علاقه ای چشمه ای از روح انسان است که باز و جاری می شود مقصود دین، بستن چشمه های محسوس نیست بلکه مقصود باز کردن و کوشش برای جاری ساختن چشمه های دیگر است یعنی چشمه های معنویات و یا به عبارت دیگر هدف، محدود کردن و کم کردن نیروهای محسوس از آن مقدار که در متن خلقت به دست حکمت پروردگار آفریده شده نیست بلکه هدف آزاد کردن یک سلسله نیروهای معنوی است که احتیاج به آزاد شدن دارد (غلامحسین حیدری تفرشی - ۱۳۸۸)

۶- بحث و نتیجه گیری

در این مقاله در ابتدا به کلیاتی در مورد اخلاق صحبت شده است که اخلاق جایگاه ویژه ای دارد طوری که پیامبر (ص) فرمودند: انی بعثت لاتمم مکارم الاخلاق من برای اخلاق نیکو مبعوث شدم در ادامه به فضایل اخلاقی که در مورد اقتصاد خانواده همچون اسراف -تبذیر - مصرف گرایی افراطی-تجمل گرایی-چشم هم چشمی که جزو صفات ناپسند اخلاقی در اقتصاد خانواده است اشاره شده و سپس سبک زندگی و سخنان بزرگانی همچون حضرت امام خمینی(ره) مقام معظم رهبری و استاد مطهری بیان شده چرا که این بزرگان الگوی ما افراد در زندگی و کار...می باشند و در آخر رذایل اخلاقی که در زمینه اقتصاد خانواده استمانند دادن زکات -شکرگزاری-انفاق-ساده زیستی بیان شده و در آخر راه درمان اسراف کاری تبیین شده چرا که اکثریت افراد می دانند اسراف کاری یک مسئله زشت و ناپسند است اما راه درمان اسراف و مصادیق اسراف را نمی دانند. پیشنهاد: به عنوان نمونه در بحث اقتصاد خانواده وقتی مغازه ای اجناسش را حراج گذاشته افراد زیادی به امید اینکه قیمت مناسب است خرید می کنند اما چه مقدار از آن لوازم برایشان ضروری و مورد نیاز است صرف اینکه قیمت مناسب است تهیه می کنند و اصلاً توجه ای به نیازمند بودن آن یا ضروری بودن آن ندارند و این از مصادیق اسراف و تبذیر است.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه
۳. آمدی التمیمی، عبدالواحد، غررالحکم و دررالکلم- دارالثقافه العامه- النجف - بی تا
۴. حیدری تفرشی، غلامحسین- اصلاح الگوی مصرف - ناشر دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن - ۱۳۸۸
۵. صادقی اردستانی، احمد- پانصد حدیث
۶. ۱ - ف (امیدوار) - اخلاق تدریس- دفتر نشر معارف - ۳ - ۱۳۸۸
۷. خرمشاهی، بهالدین - دانشنامه قرآن و دانش پژوهی -
۸. خمینی، سید روح الله - تحریر الوسيله
۹. فیض کاشانی، محسن- المحججه البيضاء فی تهذیب الاحیاء - تصحیح علی اکبر غفاری - قم- النشر الاسلامی- بی تا.
۱۰. کلینی، محمدبن یعقوب- اصول کافی - بیروت- ۱۴۱۳ق
۱۱. شریفی، احمد حسین- آیین زندگی (اخلاق کاربردی) - دفتر نشر معارف-قم-۱۳۸۶

۱۲. مجلسی، محمد باقر - بحار الانوار - دار احیا التراث العربی - بیروت - ۱۴۰۳ ق .
۱۳. مکارم شیرازی، ناصر- تفسیر نمونه - دار الکتب الاسلامیه - ۱۳۶۲.
۱۴. طباطبایی، سید محمد حسین- المیزان فی تفسیر القرآن- اسماعیلیان- قم- ۱۳۹۴ ق
۱۵. مصباح یزدی، محمد تقی - فلسفه اخلاق - ناشر - شرکت چاپ و نشر بین الملل - چ ۴ - تابستان ۱۳۸۸ .
۱۶. نراقی، محمد مهدی - جامع السعادات - نجف-مطبعه النجف - الثالثه- ۱۳۸۳ ه.ق.
۱۷. مدرس، محمد رضا-فلسفه اخلاق - تهران-سروش- ۱۳۷۱
۱۸. شیخ حر عاملی - وسایل الشیعه، - دار احیا التراث العربی - بیروت - ۱۴۰۳ ق .
۱۹. معین، محمد - فرهنگ معین
۲۰. راغب اصفهانی - معجم مفردات الفاظ القرآن - مکتبه المرتضویه لاحیاء الآثار الجعفریه - قم - ۱۳۹۲ ق
۲۱. شاخصهای اساسی اقتصادی اسلامی - ترجمه فخرالدین شوشتری